

موجودیت قوای خارجی و توانمندی قوای مسلح کشور

« رویداد ها و حوادث سیاسی و نظامی افغانستان »

استاد صباح (6)



امنیت و آرامش امروز در وطن به یک رویایی دست نیافتنی و امنیت به یک کابوس وحشتناک تبدیل شده است. امنیت به دست کسانی هست که دیروز به منظور حرفه ی شدن نشانه زنی، عابرین را به گلوله می بستند. به دست کسانی هست که افتخار خرابی این شهر را به گردن آویخته اند. آنانی که سالهای سال است که در مقابل ملت ستم دیده و مردم رنج کشیده زورگفتند ، کشتند ، بستند و بردند و از اموال بیت المال و از خون ملت قصرها، بلندنگها و آسمان خراشها ساختند و در مقابل دید جامعه بین المللی و قوای ناتو ثروت ملی را به تاراج می برند و دستان شان بیشتر از گذشته و به خون بی گناهان آلوده شده است .

بهار نو و آزادی و مردی

طراوت گرنبخشش این چمن را

سرود خوانان روند در کنج خلوت

که صبحی نیست دیگر این وطن را .

جنگ افغانستان، طولانی ترین جنگ خارجی در تاریخ امریکا، حدود یک تریلیون دلار برای مالیات دهندگان امریکایی هزینه داشته و پس از پایان رسمی آن در ماه جاری نیاز به صدها میلیارد دلار سرمایه دیگر دارد. روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی درباره هزینه های جنگ افغانستان برای امریکایی ها با استناد به تحقیقات مستقل آورده است - حدود ۸۰ درصد مصارفات جنگ افغانستان در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما تامین شده است .

اوباما از زمان آغاز ریاست جمهوری اش در سال ۲۰۰۹ حضور نظامی در افغانستان را شدیداً افزایش داد. هزینه های گسترده برای این جنگ ۱۳ ساله که دولت هرگز جزئیات آن را منتشر نکرد موجب گسترش تردیدها درباره جنگ در امریکا شده است. نظرسنجی ها نشان می دهند که اکثر امریکایی ها معتقدند که جنگ افغانستان ایده بدی بوده است. در حالی که جنگ عراق تاکنون حدود یک تریلیون دلار برای امریکایی ها هزینه داشته، هزینه های جنگ افغانستان عامل مهمی در بیزاری گسترده مردم امریکا و دولت اوباما جهت دخالت نظامی در سایر نقاط دنیا از جمله اعزام دوباره نیرو به عراق بوده است .

جان سایکو، بازرس ویژه دولت امریکا برای افغانستان کسی که سازمان تحت سرپرستی اش پروژه های بازسازی افغانستان به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار نظارت دارد، می گوید: میلیاردها دلار از سرمایه های این پروژه ها به هدر

رفته و یا دزدیده شده است. آن هم طی پروژه‌هایی که معمولاً تاثیر بسیار کمی بر شرایط افغانستان دارند . او در این باره اظهار می‌کند: مطمئناً ما دوباره نمی‌توانیم چنین پولی را از دست بدهیم. مردم امریکا با این موضوع کنار نمی‌آیند . سایکو با اشاره به تورم می‌افزاید، مبلغی که امریکا صرف بازسازی افغانستان کرده بیش از هزینه‌ای است که طی طرح مارشال برای بازسازی غرب اروپا صرف شد . من در سازمان کمک‌رسانی، امریکا دولت و پنتاگون به افرادی برخورد می‌کنم که گمان می‌کنند در کانزاس هستند نه افغانستان. بازرسان من اطلاعاتی درباره برنامه‌های هزینه‌ها ارائه می‌دهند که من فقط می‌توانم بگویم شما اینها را از خود ساخته‌اید .

عملیات نظامی ناتو در افغانستان که مدت کوتاهی پس از حمله ۱۱ سپتمبر در سال ۲۰۰۱ آغاز شد متأسفانه در حالی تا پایان دسامبر پایان می‌یابد که شورشیان طالبان با وجود اینکه کنترل هیچ شهر بزرگی را در دست ندارند ولی همچنان قدرتمند هستند . طبق برنامه فعلی حدود ۱۰ هزار نیروی امریکایی تا پایان سال ۲۰۱۶ در افغانستان باقی می‌مانند با این وجود دولت امریکا باز هم برای افزایش نیروها در این کشور به دلیل نگرانی‌ها درباره تجدید فعالیت طالبان با خروج امریکایی‌ها تحت فشار رو به افزایشی است . از سال ۲۰۰۱، دولت امریکا حدود ۷۶۵ میلیارد دلار برای جنگ در افغانستان اختصاص داده است . بیشتر این هزینه‌ها مربوط به مخارج وزارت دفاع و بخش دیگری نیز مربوط به وزارت خارجه بوده است . نکته جالب اما این است که هزینه مالی هر دو جنگ عراق و افغانستان قرض گرفته شده بود و براساس مدارک دانشگاه سیتی در نیویارک امریکا تاکنون ۲۶۰ میلیارد دلار از بدهی‌های این جنگ‌ها را پرداخت کرده است . در راس این هزینه‌ها، تامین منابع مالی برای درمان و دواهای سربازان زخمی و آسیب دیده‌ای است که اردو را ترک کرده‌اند. لیندا بیلمز، اقتصاددانی که تحقیقات گسترده‌ای در زمینه هزینه‌های جنگ انجام داده، برآورد کرده است که هزینه‌های صحتی و درمانی سربازان هردو جنگ عراق و افغانستان تاکنون به ۱۳۴ میلیارد دلار رسیده است . با این حال بیلمز معتقد است دسترسی به هزینه‌های درمانی تنها برای سربازان جنگ افغانستان غیرممکن است چرا که یک سوم این سربازان در هر دو جنگ عراق و افغانستان شرکت داشتند. جنگ افغانستان باعث افزایش هزینه‌های عمومی دیگری نیز شده است مانند بودجه جداگانه جنگ که از سال ۲۰۰۱ به بعد مطرح شده، بودجه اولیه پنتاگون که تمام هزینه‌های این نهاد را پوشش می‌دهد و جنگ در عراق و افغانستان یکی از مهمترین عوامل افزایش این هزینه‌ها بوده است . همچنین بر اثر فشارهای سیاسی ناشی از جنگ حق بیمه سلامت اردو که توسط پرسنل این نهاد پرداخت می‌شود تا حد ممکن ارزان نگه داشته شده است. همزمان حقوق‌ها به دلیل افزایش تورم افزایش یافته است. به علاوه از سال ۲۰۰۱، بودجه اولیه وزارت دفاع به ۱٫۳ تریلیون دلار افزایش یافته است .

هزینه‌های آتی جنگ افغانستان احتمالاً به بیش از صدها میلیارد دلار دیگر می‌رسد. پنتاگون پیش‌بینی کرده است که این نهاد برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ نیاز به بودجه‌ای بالغ بر ۱۲۰ میلیارد دلار دارد .

با این حال هزینه‌های دیگری بستگی به عملیات‌های آتی دارد که کاخ سفید درباره آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کند . در همین حال پرداخت بدهی‌های ناشی از هزینه‌های جنگ، هزینه‌های درمانی نیز به شدت در حال بالا رفتن هستند چرا که برخی از سربازان این جنگ‌ها اکنون وارد دهه ۶۰ زندگی خود شده و نیازشان به سرویس‌های درمانی نیز افزایش یافته است . طبق برآوردهای پروفیسور بیلمز، هزینه‌های ناتوانی و درمانی سربازان جنگ‌های عراق و افغانستان طی دهه‌های آتی به ۸۳۶ میلیارد دلار خواهد رسید. این دو جنگ همچنین هزینه‌های بازنشستگی را برای پنتاگون افزایش داده‌اند .

اردو متعهد شده تا ۱,۲۷ میلیارد دالریه سیستم بازنشستگی خود اختصاص دهد. انتظار می‌رود این هزینه تا سال ۲۰۳۴ به ۲,۷۲ تریلیون دالری برسد. با این حال منابع این هزینه‌ها هنوز تامین نشده است.

به گفته یکی از مقامات دولتی حقیقت تلخ درباره جنگ افغانستان این است که پنتاگون یا هرکس دیگری در دولت نمی‌تواند بگوید این جنگ چه قدر برای ما هزینه داشته است.

همچنان گزارشها از سوء استفاده چندین میلیارد دالری از بودجه بازسازی افغانستان از سوی محافل و مقامات امریکایی حکایت دارند. نتایج یک بررسی جدید در اردوی آمریکا نشان می‌دهد که میزان سوء استفاده از بودجه بازسازی وحیف و میل آن به چندین میلیارد دالر رسیده است. آرنولد فیلدز بازرس ویژه بازسازی افغانستان با تایید این مطلب گفت، میزان سوء استفاده از بودجه بازسازی افغانستان همچنان در حال افزایش است. وی با انتقاد از سیاستهای آمریکا در امریازسازی افزود، هیچ واحد کنترولی مناسبی برای بررسی اینکه پول مالیات دهندگان امریکایی در کجا هزینه می‌شود وجود ندارد. مقامات امریکایی ادعا می‌کنند که از سال دوهزار و دو تا کنون پنجاه و شش میلیارد دالری برای بازسازی افغانستان هزینه شده، اما به گواه واقعیت‌های این کشور، نتیجه‌ای نداشته است. از این مبلغ بیست و نومیلیارد دالری صرف بازسازی نیروهای امنیتی و شانزده میلیارد دالری صرف توسعه این کشور شده است. این در حالی است که با گذشت حدود یک دهه نه تنها وضعیت نیروهای امنیتی و نظامی افغانستان بهبود نیافته بلکه مردم و بخصوص زنان و کودکان با مشکلات عدیده روبرو هستند. به گونه‌ای که به گزارش صندوق کودکان سازمان ملل، یونیسف بیش از یک چهارم کودکان هفت تا چهارده ساله همچون یک فرد بزرگسال کار می‌کنند، به طوریکه وضعیت کودکان کار به عنوان یکی از معضلات اصلی دولت این کشور به حساب می‌آید. بر اساس گزارش وزارت صحت عامه کشور نیز، از سی میلیون افغان دوازده میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند که از این دوازده میلیون فقیر، سه میلیون نفر کودک زیر پنج سال هستند که از سوء تغذیه رنج می‌برند. البته بازرس ویژه بازسازی افغانستان به بقیه هزینه‌های بازسازی که امریکا ادعا می‌کند از سال دوهزار و دو در این کشور هزینه کرده، اشاره نکرده است. از این رو گزارش تفتیش ویژه بازسازی از فسادهای گسترده نهادهای غربی فعال بخصوص امریکایی در افغانستان حکایت دارد.

حملات انفجاری و درگیریهای مسلحانه طی روزها و هفته‌های اخیر در افغانستان به شدت افزایش یافته است. با توجه به این که اهداف این حملات بیشتر مقامات دولتی و نظامیان خارجی در افغانستان بوده است اما تعداد زیادی از مردم مخصوصاً زنان و اطفال هم در این حوادث جان خود را از دست دادند. شدت حملات اخیر طالبان به حدی بوده است که شماری از تحلیلگران از وضعیت امنیتی موجود در افغانستان ابراز نگرانی کردند.

طبق گزارش هیئت کمک رسانی سازمان ملل متحد در افغانستان طی سال گذشته در مجموع ده هزار و پنجاه نفر از افراد نظامی در افغانستان کشته و زخمی شدند و این در حال است که این رقم در سال دوهزار و سیزده هشت هزار و سوه صد نفر بود. از جمله تعداد کشته شدگان با بیست و پنج درصد افزایش به سه هزار و هفتصد نفر و تعداد زخمی‌ها با بیست و یک درصد افزایش به هشت هزار و شصت نفر رسیده است. این بالاترین تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها از سال دوهزار و نوبه این طرف است. قوماندان جدید نیروهای آیساف گفته است که امسال نیروهای امنیتی افغانستان تلفات جنگی بیشتری را متحمل شده‌اند. به گفته او، در سال جاری نزدیک به نوهزار عضو نیروهای امنیتی در جنگ با شورشیان کشته و زخمی شده‌اند. پس از آنکه نیروهای ناتو زیر قوماندهای ایالات متحده امریکا حضورشان را کاهش داده و رهبری اکثر وظایف جنگی را به عهده حکومت و اردوی افغانستان سپردند، تلفات نیروهای داخلی در دو سال گذشته افزایش یافته است. جنرال جان کمبل قوماندان نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت در افغانستان گفت که تلفات عمومی نیروهای داخلی - اعم از کشته‌ها و زخمی‌ها - در سال دوهزار و چهار نزدیک به نوهزار نفر می‌باشد.

او گفت پس از آنکه نیروهای افغانستان مسئولیت را از ناتو به دوش گرفتند، تلفات نیروهای افغانستان آشکارا افزایش یافته است. اما این چیزی بود که انتظار می‌رفت زیرا آن‌ها در رهبری جنگ قرار دارند. کمبل گفت که مخصوصاً تلفات نیروهای پولیس افغانستان زیاد است، زیرا آن‌ها تجهیزات کمتری دارند و بیشتر آسیب‌پذیر می‌باشند. درصدی بسیار بزرگتر (این تلفات) متعلق به نیروهای پولیس است، زیرا آن‌ها واقعاً در خط اول دفاعی قرار دارند. آنها با عین برابر با اردوی ملی و نیروهای خاص عملیاتی مجهز نیستند. بنابراین، احتمالاً آن‌ها بخش بزرگ این تلفات را متحمل می‌شوند. جنگ‌های شدید اخیر در ولایت جنوبی هلمند که قطعات بزرگ تفنگداران دریایی ایالات متحده امریکا آنجا را ترک کرده‌اند، شمار تلفات را بیشتر ساخته است.

در شش هفته اخیر در هلمند جنگ تقریباً تمام عیار جریان داشته است. در جریان سیزده سال جنگ افغانستان بیش از دوهزار و سوه صد سرباز امریکایی کشته و بیش از نوزده هزار تن دیگر زخمی گردیده‌اند. اما تلفات نیروهای امریکایی و ناتو در دو سال گذشته شروع زیاد کاهش یافته است.

قطع نظر از نیروهای خاص عملیاتی ایالات متحده آمریکا، اکثر سربازان آمریکایی دیگر در عملیات جنگی در افغانستان شرکت نمی کنند. هنوز حدود چهل هزار سرباز ایالات متحده آمریکا در کشور حضور دارند.

همچنان در گزارش سالانه یوناما در رابطه با محافظت غیرنظامیان در جنگ های مسلحانه نشان می دهد که در سال ۲۰۱۴ تلفات غیرنظامیان ۲۲ درصد افزایش یافته است. گزارشی که منتشر کرده است، افزایش جنگ های زمینی بین طرف های درگیر یکی از دلایل اصلی افزایش تلفات غیرنظامیان گفته شده است. در سال ۲۰۱۴ تعداد تلفات غیرنظامیان ۱۰ هزار و ۵۴۸ تن گزارش داده شده است که بلندترین آمار از سال ۲۰۰۹ تا به حال گفته می شود. این ارقام، شامل ۳ هزار و ۶۹۹ کشته (۲۵ درصد افزایش) و ۶ هزار و ۸۴۹ زخمی (۲۱ درصد افزایش) که در مجموع ۲۲ درصد افزایش در شمار کشته و زخمی در مقایسه با سال ۲۰۱۳ است. از سال ۲۰۰۹ تاکنون؛ این بالاترین رقم تلفات و زخمی شدگان در نتیجه ی جنگ های زمینی بوده است. شمار جنگ های زمینی در مقایسه با سال گذشته تا ۵۴ درصد افزایش یافته است. از دیداد تعداد غیرنظامیان کشته و زخمی شده در سال ۲۰۱۴ نشان دهنده ی ناکامی تعهدات برای حفاظت از غیرنظامیان می باشد. طرف های درگیر باید عواقب اعمال شان را بدانند؛ مسئول اعمال خود باشند و حفاظت از غیرنظامیان را اولویت شان قرار بدهند. این گزارش نشان می دهد که ۷۲ درصد تلفات توسط گروه های مسلح مخالف دولت، ۱۴ درصد توسط گروه های دولتی (۱۲ درصد توسط قوای مسلح افغانستان و ۲ درصد توسط قوای بین المللی) و ۱۰ درصد در نتیجه ی جنگ های زمینی گفته شده است.

همچنین ۳ درصد دیگر تلفات توسط بقایای جنگی و ۱ درصد دیگر توسط گلوله های مرزی کشته شده اند. اکثر تلفات در نتیجه ی جنگ های زمینی بین قوای مسلح افغانستان و گروه های مسلح مخالف دولت افغانستان صورت گرفته است که تلفات ناشی از راکت و تانک بوده اند. تعداد تلفات زنان و اطفال نیز تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. تعداد تلفات اطفال ۲ هزار و ۴۷۴ تن گفته شده است که از آن جمع ۷۱۴ کشته و یک هزار و ۷۶۰ زخمی می باشد. تعداد تلفات زنان تا ۲۱ درصد از دیداد یافته است، ۲۹۰ زن کشته و ۶۱۱ تن دیگر زخمی شده اند. زنانی که شوهرانشان را در این جنگ ها از دست داده اند، مسئول خانواده شدند که باعث ایجاد مشکلات اجتماعی و اقتصادی بسیاری شده است. در اثر ناداری بعضی خانواده مجبور شده اند تا دخترشان را در بدل قرضه به فروش برسانند و یا اطفال مجبور شده اند تا به جای مکتب به کارهای شاقه دست بزنند.

از طرف دیگر حکومتی که تا شش ماه ۵۰ درصد کابینه خود را تشکیل نتواند و سیاست های داخلی و خارجی را حداقل به صورت نسبی تنظیم کرده نتواند، شکست خورده است. مردم در مجموع، به خصوص شورای ملی، مجلس سنا، شورا های ولایتی و نهادهای جامعه مدنی، از هم فروپاشی حکومت وحدت ملی نگران هستند. رییس جمهور غنی ضمن اعلام پلان پنج ساله کاری حکومتش، تاکید کرد که سیاست های داخلی را تنظیم کرده و تغییرات در برخی از نهادها به خصوص کمیسیون مستقل انتخابات و مبارزه با فساد اداری از اولویت های کاری وی می باشد، اما تا کنون گام های موثر عملی در این راه ها بر داشته نشده است. این در حالی است که به گفته او کمک های بین المللی تا اندازه زیاد وابسته به اصلاحات درون حکومتی در افغانستان می باشد.

جامعه جهانی در حالی کمک های خود را مشروط به اصلاحات بنیادی و از بین بردن فساد در افغانستان کرده است که تا حال اکثر وزارت خانه ها و ولایت ها توسط سرپرست ها اداره می شود که آنان حتی صلاحیت عزل و نصب را ندارند در حالیکه تغییرات و عزل و نصب ها در نهاد دولتی توسط رهبری آن نهاد یک امر ضروری است.

کسانی که در حیطه کاری خود صلاحیت عزل و نصب و مجازات و مکافات را نداشته باشند، چگونه می توانند مصدر خدمت واقع شوند، بنا بر این باید گفت تمام عوامل موجود سبب می شود که دولت وحدت ملی روز بروز ضعیف تر شود. دولت وحدت ملی همانگونه که در سیاست های خارجی ضعیف عمل کرده است، در سیاست های داخلی خود نیز تا کنون شکست خورده است، زیرا اقتصاد کشور با رکود مواجه است و تاجران ملی و بین المللی علاقه ای به سرمایه گذاری در افغانستان را ندارند و همچنین بیکاری و فقر در حال افزایش است.

در ابتدا گمان می رفت که رییس جمهور غنی کله اقتصادی خوبی دارد و طبق گفته های خود افغانستان را به یک کشور تولیدی تبدیل می کند، اما بلند بردن مالیات پیش از تغییر و توسعه اقتصادی و هم چنین تظاهرات عده از دکانداران و تانواییها در شهر کابل به دلیل بلند بردن مالیات از سوی دولت، نشان داد که این روند با اقتصاد فعلی کشور سازگار نیست و دولت در سیاست های داخلی خود ضعف دارد.

دولت همانگونه که تاکنون در سیاست های داخلی خود ناکام بوده است در سیاست های خارجی نیز با تعاملات که در این اواخر با برخی از کشورها داشته است. به خصوص اعلام حمایت از کشور عربستان سعودی در قضیه یمن ضعیف عمل کرده است. گفتنی است که هفته گذشته برخی از نمایندگان مجلس نیز از فرو پاشی دولت وحدت ملی به دلیل ضعف های که دارد ابراز نگرانی کرده و از عموم اعضا خواستند که دو روز کاری خود را جهت بررسی بحران های موجود در حکومت به خصوص علت تاخیر در معرفی اعضای کابینه اختصاص دهند.

ازجانب دیگر فساد اداری بیداد میکند، امنیت رو به وخامت می‌گراید و دولت در راستای حل مشکلات کشوری عاجز است و برنامه عملی ندارد. شیوع فساد اداری به شکل بی‌سابقه آن در ادارات دولتی، بروزید امنی‌ها و زمینه‌های گسترش آن و ناکافی بودن و غیر موثر بودن کمکی جامعه جهانی و روند بازسازی در کشور. بحران وید امنی عوامل فساد اداری و حرکت کند بازسازی و نو سازی و دلیل غیر موثر بودن مساعدتهای جامعه جهانی به کشور که باعث بوجود آمدن روحیه مخالفت علیه نظام و سرانجام منتج به بروز مخالفت‌های نظامی می‌گردد، دولت در زمینه رفع این عوامل کوچکترین اقدام عملی انجام نداده است که با گذشت زمان ساحه فعالیت‌های تخریبی تروریستان در ولایات جنوب، جنوب غرب، شرق و شمال کشور توسعه یافته، زمینه‌ها و انگیزه‌های ناراضی و مخالفت در سایر ولایات محسوس است، فساد اداری به اوجش رسیده، بازسازی و نو سازی بطور لازم آن با توجه به مبالغ هنگفت به مصرف رسیده انجام نیافته است. اینان همه زاده انتلاف‌های مصلحتی و زود گذراست که به اساس ضرورت و منافع شخصی و گروهی انجلم می‌گیرند و هیچکدام نسبت به کشور و مردم کشور دلسوزی و پابندی ندارند.

از طرف دیگر متأسفانه نه تنها رقابت بین نیروهای مسلح کشور وجود دارد بلکه خواستگاه قومی و حزبی پیشتر از ملی بودن برای اکثریت اولویت دارد. تا حدیکه برای شمولیت در نیروهای مسلح خصوصاً اردو فیصدی اقوام مشخص شده و در ریفورم پولیس ملی نیز معیار قومیت یکی از اساسی‌ترین اصل بود، حتی کسانی بودند که برای اشغال پست بهتر در سوانح خود دستکاری نموده خود را از اقوام که صاحب منصب کمتر دارند معرفی کردند. اکنون کرسی‌های بلند و پائین نیروی مسلح بر اساس قومیت و احزاب و وابستگی افراد به اشخاص با نفوذ تنظیم شده و حتی این وابستگی به سیاست حزبی (اپوزیسیون و پوزیشن) و نیز جهت گیری پارلمانی بطور فوری تغییر می‌کند. کمتر جنرال را می‌یابید که وابسته گی سیاسی نداشته باشد ممکن بطور رسمی فورم شمولیت حزب را خانه پری نکرده باشند ولی بطور مستقیم از جانب گروه‌ها و افرادی سیاسی حمایت می‌شوند و به اشاره آنان حتی اصول و ارزشهای مسلک و قانون را زیر پا می‌گذارند.

ارزش مسلکی جایش را بطور مسالمت آمیز به ارزش سیاسی و زور سیاسی و اندیوالی خالی کرده و کمتر برای مسلک اهمیت داده میشود، حتی روزگاری منسوبین قوا مسلح به حالت رسیده که باید برای اخذ ترفیع قانونی خویش باید از جانبی بالای مسئولین اعمال فشار کنند و حتی اتهامات وجود دارد که رشوه می‌پردازند. شمولیت در مراکز تحصیلات عالی و یا مکاتب نظامی نیز سهمیه بندی شده که از فلان قوم چند نفر و از فلان قوم چند نفر می‌تواند شامل شود. این در واقع بر می‌گردد به سیاست زدگی نیروی مسلح و زیرپا شدن ارزشهای مسلکی و قانون کشور.

جامعه جهانی با آنکه وضعیت کنونی را بطور دقیق و همه جانبه زیر نظر دارد و میدانند وضعیت به کدام طرف پیش میرود پلادرنگ به درخواست‌های این سیستم بدون اینکه آنرا اصلاح کند پاسخ مثبت میدهد، از جمله میتوان به حمایت جامعه جهانی از تشکیل پولیس محلی که خود یک پروژه سیاسی و یا در واقع مسلح سازی افراد زورمند محلی در عرض نیروهای ملی کشور است اشاره کرد، که خود بگونه مرض سرطان در بدنه نیروهای مسلح کشور در حال فعالیت بوده و احتمال میرود اگر وضعیت حمایتی از آنان به چنین حالت پیش برود دیگر قابل جمع نخواهند بود.

هدایت اشرف غنی، مبنی بر تعلیق قراردادهای خرید مواد سوختی وزارت دفاع ملی و اعلام ممنوع الخروج شدن مسوولان لوژستیک این وزارت، زنگ هشدار را برای عاملان فساد در وزارت دفاع ملی به صدا درآورد. وجود مصارف گزاف سوختی و تداوم حیف و میل‌های گسترده در وزارت دفاع ملی، به خصوص خرید و مصرف مواد سوختی، حدیث کهنه‌ای است که هرازگاهی از سوی رسانه‌ها و برخی از نهادهای بی‌طرف روایت شده است. اما در برابر این روایت‌های افشاگرانه و شفافیت طلبانه هیچ واکنشی نشان داده نشده است. گوش‌های مسوولان امور یا چنین صداها را نشنیده و یا هم مواعی فراروی رسیدن این صداها به گوش آنان وجود داشته است.

تخلیه تانکرهای رنجرهای اردوی ملی توسط رانندگان و حتی صاحب منصبان این نهاد، یکی از مواردی بوده است که بارها شهروندان شاهد آن بوده و نویسنده نیز این پدیده را بارها با چشم سر مشاهده نموده است. جدا از خورد و بردهای جزئی، فسادهای کلانی نیز در مصرف مواد سوختی وزارت دفاع ملی وجود داشته است.

از سوی دیگر گزارش تحقیقی انجام شده از سوی کلیدگروپ در سال سیزده نود خورشیدی نشان می‌داد که مصارف گزاف سوخت دیزل جنراتورها در شش قول اردوی وزارت دفاع ملی برای این ارگان نظامی کمرشکن است. مسوولان این قول اردوها در همان زمان از وصل شدن سیستم برق این قول اردوها به سیستم برق شهری سخن گفته و هزینه سوخت این جنراتورها را غیر منطقی خوانده بودند. شش قول اردوی زمینی و یک قول اردوی هوایی و یک فرقه مستقل به نام یکصدویازده کابل شامل تشکیلات اساسی وزارت دفاع ملی می‌باشد که دیزل جنراتورهای قطعات فوق به منظور تأمین انرژی برق نزدیک به ششصد هزار لیتر تیل را در هر بیست چهار ساعت مصرف می‌کند.

همین امر نیز باعث شده است تا رییس‌جمهور در هماهنگی با نهادهای داخلی و خارجی و حضور داشت اداره سیگار (سازمان بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا برای بازسازی افغانستان) دست به اقدام قاطعی مبنی بر تعلیق

قراردادهای خرید تیل وزارت دفاع ملی بزند. اداره سیگار نیز که بارها از وجود فساد گسترده در وزارت دفاع ملی گزارش نموده بود و سخن از حیف و میل هزاران دالر در ساخت و سازهای این وزارت به میان آورده بود، با اقدام ریاست‌جمهوری هماهنگ شده و در صدد است با آوردن شفافیت در خریدهای این وزارت، جلو مصارف گزاف موجود در این نهاد گرفته شود. حقیقت این است که هرگاه حرکت اصلاحی ریاست‌جمهوری در زمینه تحقق اهداف آن که همانا کاهش هزینه‌های سرسام‌آور است به فرجام رسیده و محقق شود، کار بزرگی در راستای شفافیت‌زایی صورت گرفته و بخشی از وابستگی‌های شدید مالی دولت در عرصه تأمین نیازهای مالی برای نهادهای امنیتی و نظامی کاهش خواهد یافت. زیرا بیشترین مصرف دولت افغانستان در بخش‌های نظامی و امنیتی است و هرچه این ارگان‌ها به کمک‌های خارجی نیاز بیشتری داشته باشند، به همان اندازه آسیب‌پذیری و ضربه‌پذیری دولت و حکومت افزایش یافته و این مسأله، حکومت را بیش از پیش ضعیف و متزلزل خواهد ساخت.

توانمند شدن نهادهای امنیتی و کاهش هزینه‌های بی‌جا و هنگفت از روی دوش این نهادها به استقلال امنیتی و ثبات سیاسی کشور نیز کمک خواهد کرد، زیرا هرچه نظام‌های امنیتی به لحاظ اقتصادی و منابع تمویلی دارای مصارف گزاف باشند، شدت وابستگی آنان به کمک‌های خارجی بیشتر شده و نظام سیاسی را وابسته‌تر خواهد ساخت. این مسأله به ضرر ثبات سراسری و امنیت پایدار نیز می‌باشد. زیرا تا هنوز هم دولت افغانستان نتوانسته است منابع مالی‌اش را در بخش‌های انکشافی و امنیتی از عواید داخلی خویش تأمین نماید و این مصارف به مساعدت‌های بیرونی وابسته است.

اما اصل سخن در این است که آیا رییس‌جمهور و تیم اصلاحاتی وی که از مرکز قدرت (ریاست‌جمهوری) رهبری و هدایت می‌شود، در آوردن اصلاحات موفق خواهد شد؟ این پرسش از آن رو اهمیت دارد که باندهای فاسد در ادارات مختلف دولتی ریشه‌دارتر از آن است که بتوان با یک حرکت اصلاحی ریشه آنان را خشکانده و از دوام عمرزبان‌پارشان جلوگیری کرد. باندهای فاسد در ادارات دولتی همواره یک گام جلوتر از دولت بوده و به محض آغاز هرگونه تکتیک مبارزه با فساد، شگردهای قوی‌تری را اختیار نموده و جلو اقدامات اصلاحی را می‌گیرند. لذا ضروری است تا حکومت متوجه هرگونه نیرنگ باندهای فاسد بوده و نگذارد تا اقدامات انجام شده خنثی شده و عدم تأثیرگذاری آن، ابهت و هیبت حکومت را شکسته و اقتدار آن را برای بار دیگر بر زمین بزند. ادامه دارد...